



ارزیابی پارادایمی برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

دکتر محمدتقی ایمان
استاد بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

با همکاری
محمودرضا نوشادی
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۳۹۲

ایمان، محمدتقی، ۱۳۳۲-
ارزیابی پارادایمی برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران / محمدتقی ایمان، محمودرضا نوشادی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
هشت، ۱۹۲ص: نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۳۹: فلسفه علوم انسانی؛ ۱۱)
ISBN: 978-600-298-010-6
بها: ۵۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۱۸۷]-۱۹۲.
۱. سیاست فرهنگی - ایران - تاریخ - ۱۳۶۸-۱۳۹۳ - ارزشیابی. ۲. سیاست‌گذاری - ارزشیابی. ۳. ایران - سیاست اقتصادی - ۱۳۶۸-۱۳۹۳ - ارزشیابی. ۴. ایران - سیاست اجتماعی - ۱۳۶۸-۱۳۹۳ - ارزشیابی. الف. نوشادی، محمودرضا، ۱۳۲۴. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.
۱۳۹۱ ۴الف/۳۱۹۹ KMH ۳۴۳/۵۵۰۷۴
شماره کتابشناسی ملی
۲۹۸۶۹۲۱



ارزیابی پارادایمی برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

مؤلف: دکتر محمدتقی ایمان با همکاری محمودرضا نوشادی

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: بهار ۱۳۹۲

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۲۱۱۱۱ - ۰۲۵۱ (انتشارات: ۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱ - ۲۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ - ۰۲۱ و ۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی — اجتماعی و فرهنگی در هر نظام اجتماعی در تولید و بازتولید هویت ساختاری آن حائز اهمیت است. از طریق این برنامه‌ها، چگونگی

دستیابی به اهداف جامعه را می‌توان ردیابی نمود. یکی از راه‌های اعتباریابی برنامه‌های توسعه، ارزیابی نظری و اجرایی آنها است. شیوه دیگر ارزیابی این موارد، انتقال به سطح پیش‌فرض‌های حاکم بر نظریات علمی موجود است. این پیش‌فرض‌ها در یک دستگاه فکری معرفی می‌شوند که امروزه تحت عنوان «پارادایم علم» مشهور است. چنانچه ارزیابی برنامه‌ها را بتوان در این سطح انجام داد، گفتمان نظری حاکم بر برنامه‌ها شفاف خواهد شد و انسجام نظری برنامه، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. کتاب حاضر، برنامه‌های توسعه اقتصادی — اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی را در قالب یک پژوهش کیفی با روش تحلیل محتوا مورد ارزیابی پارادایمی قرار داده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از استاد محترم جناب آقای دکتر محمدتقی ایمان و همکار ایشان جناب آقای محمودرضا نوشادی، ناظر محترم جناب آقای دکتر سیدحمیدرضا حسنی مدیر گروه فلسفه علوم انسانی پژوهشگاه، سپاسگزاری و تشکر کند.

فهرست مطالب

درآمد	۱
پیشگفتار	۵
فصل اول: مناسبات برنامه‌های توسعه و پارادایم‌های علم	۷
مقدمه	۷
ضرورت تدوین برنامه‌های توسعه تحت پارادایم‌های علم	۱۰
مشکل استفاده از پارادایم‌های رایج علم در برنامه‌های توسعه	۱۱
استلزامات استفاده از پارادایم‌های مختلف در برنامه‌های توسعه (خلط پارادایمی)	۱۱
تفاوت ارزیابی پارادایمی و ارزیابی نظری	۱۴
روش‌شناسی تحلیل محتوای کیفی	۱۷
رابطه پارادایم حاکم بر برنامه و ادبیات به کاررفته در آن	۱۷
فصل دوم: تاریخچه برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در ایران	۲۳
توسعه و برنامه‌ریزی در ایران	۲۶
۱. اهداف عمده برنامه عمرانی اول (۱۳۳۴-۱۳۲۷)	۳۱
۲. اهداف عمده برنامه عمرانی دوم (۱۳۴۱-۱۳۳۴)	۳۱
۳. اهداف عمده برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۶-۱۳۴۱)	۳۱
۴. اهداف عمده برنامه عمرانی چهارم (۱۳۵۱-۱۳۴۶)	۳۲
۵. اهداف عمده برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۲)	۳۲
۶. برنامه عمرانی ششم	۳۲
دوران پس از انقلاب اسلامی	۳۴
اهداف عمده برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲-۱۳۶۸)	۳۵
اهداف عمده برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸-۱۳۷۴)	۳۵
برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹)	۳۶

۳۷	 سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران
۳۷	 برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴)
۳۹	 برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳-۱۳۸۹)
۴۱	فصل سوم: پارادایم‌های علم
۴۱	 چیستی پارادایم
۴۳	 پارادایم اثبات‌گرایی
۴۵	 پارادایم تفسیرگرایی
۴۷	 پارادایم انتقادی
۵۰	 مقایسه عناصر پارادایمی این رویکردها
۵۰	 ۱. ماهیت واقعیت
۵۰	 ۱-۱. دیدگاه اثبات‌گرایی
۵۱	 ۲-۱. دیدگاه تفسیری
۵۲	 ۳-۱. دیدگاه انتقادی
۵۳	 ۲. ماهیت انسان
۵۳	 ۱-۲. دیدگاه اثبات‌گرایی
۵۴	 ۲-۲. دیدگاه تفسیری
۵۵	 ۳-۲. دیدگاه انتقادی
۵۷	 ۳. ماهیت علم و هدف تحقیقات علمی
۵۷	 ۱-۳. دیدگاه اثبات‌گرایی
۵۸	 ۲-۳. دیدگاه تفسیری
۶۰	 ۳-۳. دیدگاه انتقادی
۶۲	 ۴. تبیین واقعیت
۶۲	 ۱-۴. دیدگاه اثباتی
۶۳	 ۲-۴. دیدگاه تفسیری
۶۵	 ۳-۴. دیدگاه انتقادی
۶۷	 ۵. جایگاه ارزش در علم
۶۷	 ۱-۵. دیدگاه اثباتی
۶۸	 ۲-۵. دیدگاه تفسیری
۶۹	 ۳-۵. دیدگاه انتقادی
۷۱	فصل چهارم: روش‌شناسی پژوهش
۷۲	 تاریخچه تحلیل محتوا
۷۵	 تحلیل محتوای کمی
۷۶	 تحلیل محتوای کیفی

سه رویکرد تحلیل محتوای کیفی	۷۸
تحلیل محتوای عرفی	۷۸
تحلیل محتوای جهت‌دار	۸۱
تحلیل محتوای تلخیصی	۸۳
تعریف مفاهیم اساسی در تحلیل محتوای کیفی	۸۶
قابلیت اطمینان در تحقیقات کیفی	۹۱
فصل پنجم: تحلیل پارادایمی برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی...	۹۷
بخش اول: تحلیل پارادایمی برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	۹۷
درآمد	۹۷
سیاست‌های کلی برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	۹۹
اهداف کلی برنامه اول	۱۰۱
خط مشی‌های برنامه اول	۱۰۲
نتیجه‌گیری	۱۰۶
بخش دوم: تحلیل پارادایمی برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	۱۰۹
هدف‌های کلان کیفی	۱۰۹
خط مشی‌های اساسی	۱۱۰
نتیجه‌گیری	۱۲۹
هدف‌های کلی	۱۲۹
بخش سوم: تحلیل پارادایمی برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	۱۳۲
فصل اول: اقتصادی	۱۳۳
فصل دوم: فرهنگی	۱۳۵
فصل سوم: اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی	۱۳۶
نتیجه‌گیری	۱۳۹
بخش چهارم: تحلیل پارادایمی برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	۱۳۹
فصل اول: امور فرهنگی، علمی و فناوری	۱۳۹
فصل دوم: امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی	۱۴۱
فصل سوم: امور مربوط به مناسبات سیاسی و روابط خارجی	۱۴۴
فصل چهارم: امور اقتصادی	۱۴۶
نتیجه‌گیری کمی برنامه چهارم توسعه	۱۴۸
بخش پنجم: تحلیل پارادایمی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	۱۴۹
فصل اول: امور فرهنگی	۱۴۹
فصل دوم: امور علمی و فناوری	۱۵۰
فصل سوم: امور اجتماعی	۱۵۱

فصل چهارم: امور اقتصادی	۱۵۳
الف) رشد مناسب اقتصادی با تأکید بر	۱۵۳
ب) گسترش عدالت اجتماعی با	۱۵۵
فصل پنجم: امور سیاسی، دفاعی و امنیتی	۱۵۶
نتیجه‌گیری	۱۵۹
کل برنامه پنجم شامل	۱۵۹
۱. فصل امور فرهنگی	۱۵۹
۲. فصل امور علمی و فناوری	۱۵۹
۳. فصل امور اجتماعی	۱۵۹
۴. فصل امور اقتصادی	۱۶۰
الف) رشد مناسب اقتصادی	۱۶۰
ب) گسترش عدالت اجتماعی	۱۶۰
۵. فصل امور سیاسی، دفاعی و امنیتی	۱۶۰
فصل ششم: نتیجه‌گیری	۱۶۱
پیامدهای خلط پارادایمی در برنامه‌های توسعه	۱۶۸
محدودیت‌ها و پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی	۱۷۰
لزوم دستیابی به پارادایم مطلوب دینی و بومی	۱۷۱
ضمیمه: گزارشی از نشست تخصصی نقد و بررسی نقشه جامع علمی کشور	۱۷۳
مقدمه	۱۷۳
مبانی نقشه جامع علمی کشور در یک نگاه	۱۷۵
مبانی نظری و ارزشی نقشه جامع علمی کشور	۱۷۶
ارزیابی پارادایمی نقشه جامع علمی کشور	۱۷۸
منابع و مأخذ	۱۸۷

درآمد

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، نزدیک به سه دهه است که با رسالت تولید علوم انسانی - اسلامی فعالیت می‌کند. پیشینه بارز و تجربه در این کار، پژوهشگاه را به این نتیجه رساند که فلسفه علوم انسانی یکی از مباحث مهمی است که در راستای تولید علم دینی باید به آن پرداخته شود. مخصوصاً با توجه به اینکه، مبحث فلسفه علوم انسانی در کشور و عمدتاً در محافل آکادمیک کشور جایگاه پررونقی ندارد. گروه فلسفه علوم انسانی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، توسعه مباحث فلسفه علوم انسانی به‌طور عام و بحث علوم انسانی - اسلامی به‌طور خاص و نیز تولید مبانی علوم انسانی اسلامی را هدف فعالیت‌های خود قرار داده است. برای افرادی که با مباحث فلسفه علوم انسانی و نحوه تولید علم در این حوزه علمی آشنا هستند، بدیهی است که جهت دستیابی به علوم انسانی - اسلامی راهی جز ایجاد پارادایمی نوین و دینی در کشور و در فضای بین‌المللی وجود ندارد. راهکار پیشنهادی گروه فلسفه علوم انسانی، فعال‌سازی فضای کشور به منظور زمینه‌سازی و بسترسازی برای ایجاد یک پارادایم دینی است. یکی از این مسیرها، آسیب‌شناسی علوم انسانی و پارادایم‌های موجود در علوم انسانی است. از جمله کارهای ضروری در این راستا نقد و ارزیابی پارادایمیک برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های کلان مراکز تصمیم‌گیری کشور به منظور بازشناسی و نیز آسیب‌شناسی مبانی علوم انسانی این سیاست‌ها و برنامه‌ها است تا زمینه احساس نیاز به یک پارادایم جدید و پارادایم دینی در کشور فراهم شود. درواقع، هدف، بررسی علمی برنامه‌های تدوین‌شده در جمهوری اسلامی است.

تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی در هر نظام اجتماعی در تولید و بازتولید هویت ساختاری آن حائز اهمیت است. از طریق این برنامه‌ها، چگونگی دستیابی به اهداف جامعه را می‌توان ردیابی نمود. هر نظام اجتماعی علاقه‌مند است با تکیه بر جهان‌بینی

بتواند اعضای خویش را در راستای رعایت آرمان‌ها و ارزش‌های موجود در جهان‌بینی به سبک‌های زندگی خاصی در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ترغیب نماید. تحقق این فرایند در قالب تدوین و اجرای برنامه‌های اجتماعی - اقتصادی اثربخش امکان‌پذیر است. معمولاً این برنامه‌ها در قالب یک فرایند منظم، سازمان‌یافته و منطقی متکی بر نظریات علمی تدوین می‌یابند تا بتوانند با اعتبار لازم وضعیت نظام اجتماعی را تبیین نمایند. بنابراین، برنامه‌ریزی در هر نظام اجتماعی اهمیت بسزایی داشته و لازم است در طراحی، اجرا و ارزیابی، مورد تعمق و تدبّر جدی برنامه‌ریزان و اندیشمندان واقع شود.

یکی از راه‌های اعتباریابی برنامه‌های توسعه، ارزیابی نظری و اجرایی آنها است. بدین معنا که به لحاظ نظری، هر برنامه از چه دیدگاه یا دیدگاه‌های نظری بهره برده و تا چه حد این بهره‌مندی معتبر بوده است. یا اینکه تا چه حد حساسیت نظری در برنامه حاصل شده و به لحاظ منطقی، برنامه تا چه حد خالی از تعارضات نظری است. در خصوص ارزیابی تجربی برنامه لازم است سطح نظری و عملیاتی برنامه مقایسه شود تا میزان انحراف این دو سطح مشخص و به‌طور دقیق تبیین شود. تبیین تجربی برنامه توسعه می‌تواند به اصلاحات نظری و عملیاتی در فرایندهای بعدی طراحی و اجرای برنامه‌ها بینجامد. امروزه ارزیابی‌های مرسوم در برنامه‌های توسعه، ارزیابی‌های نظری و به میزان زیادتری اجرایی است. این ارزیابی‌ها ناشی از دغدغه خط‌مشی‌گذاران و برنامه‌ریزان نسبت به میزان اجرایی بودن نظریه یا نظریات علمی حاکم بر برنامه در جامعه است. در این ارزیابی‌ها ماهیت و هویت نظریه حاکم بر برنامه مورد مناقشه نیست، بلکه دریافت معتبر و درست برنامه‌ریز از نظریه و چگونگی اجرای آن دغدغه خاطر است. اما اگر خط‌مشی‌گذاران و برنامه‌ریزان نسبت به ماهیت نظریه، پیش‌فرض‌های حاکم بر نظریه یا نظریاتی که قصد به‌کارگیری آنها در برنامه وجود دارد و اعتبار ساختاری نظریاتی که در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برنامه به کار گرفته شده‌اند، ابهام و نگرانی داشته باشند، ارزیابی‌های مرسوم کمک جدی به اعتباریابی برنامه‌ها نمی‌کنند.

شیوه دیگر ارزیابی این موارد، انتقال به سطح پیش‌فرض‌های حاکم بر نظریات علمی موجود است. این پیش‌فرض‌ها در یک دستگاه فکری معرفی می‌شوند که امروزه تحت عنوان «پارادایم علم» مشهور است. در صورت ارزیابی برنامه‌ها در این سطح، گفتمان نظری حاکم بر برنامه‌ها، شفاف و انسجام نظری برنامه، ارزیابی خواهد شد. بدین لحاظ، این پژوهش به دنبال ارزیابی

پارادایمی برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی است تا ساختار و انسجام نظری حاکم بر برنامه‌ها را حتی الامکان شفاف نماید.

پارادایم علم به مثابه انگاره یا الگوی فکری حاکم بر دیدگاه‌های علمی اگرچه تعاریف مفهومی متفاوتی را به خود گرفته است، اما اکثر اندیشمندان به حضور آن به منزله مبانی و پایه‌های فلسفی دیدگاه‌های علمی معتقدند. در پارادایم علم، مجموعه قضایایی وجود دارد که چگونگی درک جهان در آنها تبیین می‌شود. در این قضایا، پیش‌فرض‌های اندیشمند تعیین و سؤالات بنیادین درباره هستی‌شناسی از جهان خلقت و چگونگی کسب معرفت درست از آن پاسخ داده می‌شود و حتی تکنیک‌های پژوهش در جهان طبیعی و انسانی معرفی می‌شوند.

دلیل طرح مباحث علم دینی و دغدغه اصلی جمهوری اسلامی در حوزه علوم انسانی و حضور فعال دیدگاه‌های نظری رایج در آن، حضور پیش‌فرض‌هایی در این نظریات است که مستقیم یا غیر مستقیم تمسک به منبع معرفتی دینی را در نظریه‌سازی بر نمی‌تابند. به هر صورت، ارزیابی پارادایمی یکی از راه‌های ارزیابی بنیادین و پایه‌ای دیدگاه‌های نظری و یا حضور این دیدگاه‌ها در برنامه‌ریزی‌ها و یا رفتارهای اجتماعی است.

گفتنی است که ارزیابی پارادایمی برنامه‌های توسعه به معنای نفی یا کم‌اهمیت نمودن ارزیابی نظری و یا اجرایی برنامه نیست. هر کدام از ارزیابی‌ها می‌توانند اهداف خاصی را پیگیری یا امکان وجود ابهاماتی در سطوح بالاتر را گوشزد نمایند. به‌طور مثال، ارزیابی نظری برنامه‌های توسعه می‌تواند در سطح نظریه‌های علمی حاکم بر برنامه‌ها انجام شده، ضمن پی بردن به ضعف انسجام نظری، آن را تا سطح اجرا یا حتی مبانی منطقی و یا فلسفی نظریات پیگیری نماید. ارزیابی پارادایمی نوعی ارزیابی جامع‌نگر است که ضمن کالبد شکافی مبانی منطقی و پارادایمیک حاکم بر مفاهیم نظری برنامه‌های توسعه در صدد بازگشایی و شفافیت میزان همخوانی منطقی و فلسفی نظریه با نظریات اقتصادی حاکم بر برنامه‌ها می‌باشد.

زمانی که دغدغه خاطر، نظریه یا نظریات حاکم بر برنامه‌های توسعه نباشد، قطعاً می‌توان حوزه اقتصاد برنامه را ارزیابی نظری کرد و به اشکال ساختاری نیز برخورد نمود و یا به‌طور مستقل عرصه سیاست و فرهنگ را کالبدشکافی نظری کرد. ولی چنانچه نگرانی مربوط به ساختار برنامه باشد از این حیث که واقعاً تا چه حد، طراحی و اجرای برنامه متکی بر جهان‌بینی الهی است و تا چه حد، هدف نهایی آن در مسیر دیدگاه الهی دنبال می‌شود، ارزیابی پارادایمی برنامه ضروری است. چنانچه همخوانی و همسازی منطقی و نظری بین دیدگاه حاکم بر برنامه

با جهان‌بینی حاکم بر جامعه جلب نشود، چالش‌های نظری و اجرایی در جامعه افزایش خواهد یافت.

طبیعتاً طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه در هر جامعه‌ای، مولد فرایند اداری و سیاسی است، ولی صرف اجرای این فرایند نمی‌تواند شاخص اعتباریابی نظری و تجربی برنامه باشد؛ چرا که در این صورت نگرانی کارشناسان از ارزیابی تجربی و عملیاتی برنامه بی‌دلیل بوده و ما شاهد اختلاف بین نگاه‌های برنامه و آنچه از برنامه حاصل شده نخواهیم بود. از این‌رو، این نگرانی می‌تواند به حوزه نظریه و ماهیت نظریه حاکم بر برنامه‌ها نیز تسری یابد.

به همین لحاظ پژوهش حاضر سعی نموده است این دغدغه را از حوزه صرفاً اجرا به سطح نظریه حاکم بر برنامه و ماهیت نظریه منتقل نماید. امید است این‌گونه پژوهش‌ها بتوانند در خدمت نقادی خردمندانه مسیرهای تولید دانش علمی در کشور قرار گرفته، با تلاش‌های عالمان و اجتماعات علمی اندیشمندان، بسترهای تولید و بازتولید دانش علمی متکی بر مبانی فکری جهان‌بینی الهی، طراحی نظری و عملیاتی گردد.

تحقیق پیش رو، ارزیابی پارادایمی برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران را مدّ نظر قرار داده و بر آن است تا سیاستگذاری‌های کلان کشور را مورد ارزیابی پارادایمیک قرار دهد. از این‌رو، نیاز به توضیح نیست که قصد عیب‌جویی و خرده‌گیری از تلاش گسترده‌ای که در این زمینه‌ها صورت گرفته مدّ نظر نبوده، بلکه هدف از آن، کمک به این جریان به لحاظ علمی است.

گروه فلسفه علوم انسانی
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
تابستان ۱۳۹۱

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم
«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ»

پژوهش علمی به منظور شناسایی و ارزیابی رویکردهای حاکم بر نظام‌های اجتماعی و براساس مسئله‌یابی و حل آن از ملزومات توسعه دانش در دنیای اجتماعی به شمار می‌رود. اگرچه امروزه در حوزه علوم انسانی تحقیقات کاربردی نسبت به تحقیقات بنیادی سهم زیادی را به خود اختصاص داده است، اما توجه به تحقیقات بنیادی می‌تواند به ارزیابی مبانی نظری تحقیقات و در پی آن حرکت در مسیر تشخیص ابهامات نظری و پارادایمی، ایده‌پردازی، گسترش خلاقیت‌های نظری و نظریه‌پردازی براساس مبانی پارادایمی جدید بینجامد. بیشتر تحقیقات کاربردی، مدل‌سازی، خط‌مشی‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی - اقتصادی در ایران بر مبنای نظریه‌های مرسوم در علوم انسانی، بیشتر با تمایلات اثبات‌گرایانه صورت می‌گیرد. ادعای ورود جهان‌بینی اسلامی به دنیای اجتماعی مردم چاره‌ای جز تنظیم معرفتی از سطح انتزاع تا سطح تجربی و آن هم به صورت منطقی و سازمان‌یافته و مورد اتفاق نظر اندیشمندان ندارد. اگرچه طراحی این مسیر، اساسی و تعیین‌کننده و نیازمند مباحث منطقی، نظری و تجربی مستدل است، ضرورت پرداختن به آن می‌تواند از طریق نگاهی عمیق و مستدل به تنظیمات معرفتی آشکار شود. یکی از این تنظیمات، برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران است. ارزیابی پارادایمی این برنامه‌ها که مسئله اصلی این گزارش تحقیقاتی است، می‌تواند این ضرورت را کاملاً شفاف نماید.

این پژوهش با حمایت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و اهتمام جدی گروه فلسفه علوم انسانی آن مؤسسه به انجام رسیده است که بر خود فرض می‌دانم از مساعدت پژوهشگاه و همکاری استاد گرامی جناب آقای دکتر سیدحمیدرضا حسنی (مدیر محترم گروه فلسفه علوم انسانی)

صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم. اجرای این پژوهش مرهون زحمات علمی همکار محترم طرح، جناب آقای نوشادی است که از ایشان صمیمانه تشکر می‌گردد. این گزارش با زحمات سرکار خانم حبیب‌تاش (تایپیست) و سرکار خانم صفایی (ویراستار) تهیه شده است که از ایشان قدردانی می‌گردد.

دکتر محمدتقی ایمان

استاد بخش علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

فصل اول

مناسبات برنامه‌های توسعه و پارادایم‌های علم

مقدمه

برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت توسعه اقتصادی - اجتماعی در هر نظام اجتماعی، مؤید هویت ساختاری آن نظام است. برنامه‌ها معمولاً مسیر حرکت جامعه را در دستیابی به اهداف، مشخص می‌سازند. اهداف هر نظام اجتماعی اساساً متکی بر آرمان‌ها و ارزش‌های آن جامعه تدوین می‌شوند. ارزش‌ها و آرمان‌های یک جامعه ریشه در جهان‌بینی حاکم بر آن جامعه دارد. بدین لحاظ هر نظام اجتماعی با تکیه بر جهان‌بینی خود، درصدد است با ارائه ارزش‌ها و آرمان‌ها به اعضای خویش و ترغیب آنان به طراحی و تدوین اهداف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، از طریق برنامه‌ریزی‌های اثربخش، به اهداف خود دست یابد. اساساً برنامه‌ریزی اثربخش در قالب یک فرایند منظم، سازمان‌یافته و منطقی قابل اجرا است که این فرایند مشابه فرایندی است که در تولید دانش علمی مد نظر اندیشمندان واقع می‌شود. دانش علمی، در بستر روش‌شناسی علمی، تولید و بازتولید می‌شود. بستر روش‌شناسی که از یک طرف مبانی فلسفی علم و از طرف دیگر با واقعیت اجتماعی جهان اجتماعی مرتبط است، زمینه تولید و بازتولید دانش علمی را فراهم می‌سازد. هر فعالیت علمی‌ای (مانند برنامه‌ریزی) که عهده‌دار سامان‌دهی رفتارهای اجتماعی - اقتصادی در یک نظام اجتماعی در راستای تحقق آرمان‌های مندرج از فلسفه اجتماعی حاکم بر آن نظام است، نمی‌تواند از این مسیر خارج شود. بنابراین ارزش‌ها و آرمان‌های جهان‌بینی حاکم بر هر نظام اجتماعی جهت ورود به واقعیت تجربی و دنیای اجتماعی، از مسیر علم امکان‌پذیر خواهد بود. ارتباط علم با جهان‌بینی براساس پیش‌فرض‌هایی است که حاکی از هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی،

ارزش‌شناسی و فنّ بیان‌اند^۱ و در یک چارچوب منطقی‌ای که در فلسفه آن جهان‌بینی ریشه دارد و تحت عنوان پارادایم علم مشهور است، قابل فهم می‌باشد.

اساساً ایده پارادایم علم به کوهن (۱۹۷۰) فیلسوف مشهور علم مربوط است. کوهن در تحلیل خود، پارادایم‌های علم را دستاوردهای علمی‌ای می‌داند که مقبولیت عام و عمومی یافته، در دوره‌ای از زمان، مدلی برای حل مسئله فراوری جامعه علمی فراهم می‌آورند (کوهن، ۱۹۷۰، ص ۸۸). پارادایم علم کلاً یک نظام فکری برای اندیشمند ایجاد می‌کند. این نظام فکری، شامل پیش‌فرض‌های اساسی، سؤالات مهمی که باید پاسخ داده شوند، معماهایی که باید حل شوند و تکنیک‌های تحقیقاتی که باید به کار گرفته شوند، را شامل می‌گردند (نیومن، ۱۹۹۷، ص ۹۲). بر این اساس، پارادایم علم، یک مدل فکری است که عناصر درونی آن از زمره عقاید^۳ به جای امور واقع^۴ هستند. این عناصر در خدمت نظرگاه اندیشمند قرار می‌گیرند تا با تکیه بر آنها، حقایق جهان اجتماعی تشخیص داده شوند. بنابراین ترسیم اهداف، چشم‌انداز و راه‌های دستیابی به آنها در دنیای اجتماعی انسان‌ها، به نحوی متأثر از الگوی پارادایمی حاکم بر آن جهان اجتماعی است. اندیشمند، خط‌مشی‌گذار و برنامه‌ریز با درک ارزش‌ها و آرمان‌های حاکم بر جهان‌بینی و تشخیص پارادایمی ساخت‌وسازهای اجتماعی در دنیای اجتماعی انسان‌ها، به تدوین اهداف، چشم‌انداز و مسیر تحقق آنها تحت عنوان برنامه‌ریزی‌های توسعه اجتماعی - اقتصادی میان‌مدت و بلندمدت در جامعه اقدام می‌نماید.

پارادایم‌های غالب علم که می‌توانند هدایتگر برنامه‌های توسعه قرار گیرند، تحت عنوان: اثباتی، تفسیری و انتقادی می‌باشند. هر یک از این پارادایم‌ها، برای علم هویت مستقل و متفاوتی قائل است، به همین لحاظ، علم اثباتی، تفسیری و انتقادی به عنوان سه مسیر متفاوت در ورود به دنیای اجتماعی، مسئولیت هدایت آن مسیر از طریق مسئله‌یابی و حل مسئله (تصمیم‌سازی) در راستای تحقق اهداف و ارزش‌های پارادایمی را عهده‌دار است. هویت تمامی برنامه‌های توسعه اجتماعی - اقتصادی در نظام‌های اجتماعی متأثر از مسیری است که در آن تعریف و عملیاتی می‌شوند. مسیرهای متفاوت علمی که علم اثباتی، تفسیری و انتقادی را ترسیم و معرفی می‌نمایند، برنامه‌های توسعه اجتماعی - اقتصادی متفاوتی را تجربه می‌کنند. بنابراین، برحسب

1. rhetoric

2. Kuhn

3. opinions

4. facts

اعتقاد برنامه‌ریز به پارادایم اثباتی، تفسیری یا انتقادی یا دیگر پارادایم‌ها، برنامه‌های توسعه متفاوتی برای نظام اجتماعی پیشنهاد می‌شود. اگرچه تنظیم نظری (چارچوب نظری) و اجرایی (مدل عملی) برنامه‌ها در حوزه علم است، اما هویت علم ریشه در مبانی پارادایمی و فلسفی حاکم بر آن دارد. بدین لحاظ، هر گونه فعالیت علمی (مانند برنامه‌ریزی توسعه) متکی بر پیش‌فرض‌های فلسفی و پارادایمی معینی است که براساس آنها، جهت حرکت برنامه (اهداف پارادایمی)، راهنمایی نظری در عبور از این مسیر (دیدگاه نظری) و ابزارهای حرکت در مسیر برنامه (روش) تعیین می‌گردند. نوع پارادایم علمی که برنامه‌های توسعه براساس آن، طراحی، تدوین و اجرا می‌شوند تعیین‌کننده ادبیات نوشتاری خاصی است که در تمامی اجزای برنامه قابل درک است.

تنظیم یک برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی، حاکی از قرار داشتن نگارندگان آن بر موازین پارادایمی معینی است. برنامه که مجموعه‌ای از روابط بین مفاهیم نظری است بر بیان قضایایی دلالت دارد که به لحاظ نظری زمینه یا بستر^۱ نظام اجتماعی را تدوین می‌نماید. بر این اساس، برنامه تدوین شده هویتی نظری دارد که مؤید چارچوب نظری خاصی است و به عبارتی از این زاویه می‌توان خصیصه‌های نظری برنامه را بازگو کرد. برای بیان خصیصه نظری برنامه، به کارگیری چارچوب نظری علمی تدوین شده‌ای که حاصل نظریه‌پردازی اجتماعی از اندیشمندان در یک پارادایم خاص باشد، ضروری است. بنابراین، ارزیابی نظری برنامه توسعه متکی بر چارچوب نظری علمی خواهد بود. البته لازم است که برنامه‌های توسعه در نظام اجتماعی اجرایی شوند و برای اجرایی شدن آنها، مدل‌سازی انجام شود. در مدل‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی شاهد حضور متغیرها و فرضیاتی هستیم که صحت نظری خود را از چارچوب نظری علمی و صحت تجربی را از واقعیت تجربی اخذ می‌نمایند. ارزیابی مدل نیز براساس انطباق نظری آن با چارچوب نظری و انطباق تجربی آن با واقعیت پیش روی آن، که مدل قصد ورود به آن جهت تغییر در راستای اهداف نظریه علمی را دارد، انجام می‌شود. پس هر گونه ارزیابی نظری و تجربی از برنامه‌های توسعه در سطح معرفت نظریه علمی انجام می‌شود. این در حالی است که چنانچه سؤال اصلی ما بر چارچوب نظری حاکم بر برنامه باشد لازم است که به سطح بالاتر از معرفت نظری یعنی معرفت پارادایمی رجوع نماییم (ایمان، ۱۳۸۸، ص ۲۲). این پژوهش به دنبال ارزیابی

1. context

برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی در سطح معرفت پارادایمی است تا بتواند به مختصات پارادایمی برنامه‌ها (دیدگاه نظری برنامه‌ها) دست یابد.

ضرورت تدوین برنامه‌های توسعه تحت پارادایم‌های علم

معرفت علمی با هدف ورود به واقعیت تجربی، طراحی نظری و عملیاتی می‌شود. اساساً حوزه معرفت علمی در ارتباط با منابع معرفتی (عقل، شهود و تجربه) با عمل و تجربه مرتبط است. هدف این حوزه معرفتی، کشف واقعیت و تبیین آن است. از طرفی، معرفت علمی در سلسله‌مراتب معرفتی، حد واسط پارادایم علم و واقعیت قرار دارد (ایمان، ۱۳۸۸، ص ۲۲). جایگاه معرفت علمی باعث می‌شود قبل از ورود به واقعیت، مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی واقعیت را از پارادایم‌ها اخذ نماید. بنابراین، مبانی پارادایمی متفاوت می‌تواند به مسیرهای متفاوت ورود به واقعیت منجر شود. از این رو، هر فعالیت علمی مانند برنامه‌ریزی که در پی ورود به واقعیت تجربی جهت تغییر در راستای هدف معرفت علمی (که ریشه در جهان‌بینی حاکم بر آن دارد) است، نمی‌تواند بدون توجه به مبانی پارادایمی خود طراحی و اجرا شود. بنابراین، هر گونه برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی در هر نظام اجتماعی لزوماً تحت پارادایم‌های غالب بر آن صورت می‌پذیرد. چنانچه آن نظام اجتماعی از پارادایم خاصی تبعیت نکند، ضرورتاً از گذشته خود و تجربیات شخصی و گروهی سیاستمداران و برنامه‌ریزان استفاده می‌نماید. خصیصه این برنامه‌ریزی با انعطاف، تغییرپذیری، ضعف در پیش‌بینی و محدودیت در اجرایی شدن توأم خواهد بود. بنابراین، تدوین اسنادی به‌سان برنامه‌های توسعه ضرورتاً (خواسته یا ناخواسته) تحت پارادایم یا پارادایم‌های علم طراحی و تدوین می‌شوند. به بیان دیگر، برنامه‌های توسعه نیز که در قالب نوشتار یا اسناد ارائه می‌گردند، واجد مفاهیمی بامعنا هستند. مفاهیم درحقیقت کلماتی هستند که برحسب چارچوب نظری یا سیستم معانی حاکم بر نویسندگان آن دارای معنا می‌شوند. مفاهیم بامعنا با هدف ورود به کنش جهت ساخت‌وسازهای اجتماعی براساس جهان‌بینی^۱ یا پارادایم فکری کنشگر ساخته می‌شوند. مفاهیم، کنشگر را قادر می‌سازد براساس اندیشه و فکر خود عمل نماید. به همین لحاظ شکل‌گیری سمبل‌ها، ساخت‌وسازهای فیزیکی و غیر فیزیکی از مشخصه‌های اصلی فعالیت

1.worldview

انسان به شمار می‌روند که در شکل‌گیری مفاهیم ذهنی وی ریشه دارند (گیدنز، ۱۹۸۴؛ ریل، ۱۹۵۰).

مشکل استفاده از پارادایم‌های رایج علم در برنامه‌های توسعه

معضلی که در این راستا رخ می‌نماید این است که هر پارادایمی اقتضائات خاص خود را دارد و از این رو، از هر پارادایمی نمی‌توان برای تدوین اسنادی همچون برنامه‌های توسعه بهره گرفت؛ زیرا پارادایم علم، تعیین‌کننده هویت معرفت علمی و به نحوی تدوین‌کننده روش‌شناسی علمی است که مسیر ورود و خروج معرفت علمی به واقعیت است. معرفت‌های علمی (اثباتی، تفسیری و انتقادی) از روش‌شناسی‌های متفاوتی برخوردارند. روش‌شناسی متفاوت، به توضیح و تبیین متفاوت از واقعیت می‌پردازد. چنانچه هر فعالیت علمی (مانند برنامه‌ریزی) از روش‌شناسی یا پارادایم علمی متفاوتی استفاده نماید، به هدف‌های متفاوتی خواهد رسید که نکته درخور توجهی است.

استلزامات استفاده از پارادایم‌های مختلف در برنامه‌های توسعه (خلط پارادایمی)

همان‌گونه که بیان شد، مسئله خلط پارادایمی و بهره‌گیری از پارادایم‌های مختلف در تدوین برنامه‌های توسعه بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا تمامی پارادایم‌های علمی که رو به سوی واقعیت تجربی دارند، مدعی تولید و بازتولید معرفت علمی‌اند، چرا که صرفاً از طریق معرفت علمی است که متکی بر پیش‌فرض‌ها و یا اصول از قبل پذیرفته‌شده می‌توان در توضیح و تبیین واقعیت مشارکت نمود. بدین معنا که وضع موجود چیست و چرا چنین است و چگونه تبدیل می‌یابد، از سؤالات اساسی در هر توضیح علمی از واقعیت به شمار می‌آید. معرفت علمی در سلسله‌مراتب معرفتی از یک طرف متکی بر پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی و... قرار دارد و از طرف دیگر، از طریق مدل‌سازی به واقعیت تجربی وارد می‌شود. هر گونه فعالیت علمی (مانند برنامه‌ریزی) ثمره حضور علم در واقعیت است. به همین لحاظ، بحث‌های جدی درباره علمی بودن و معتبر بودن فعالیت علمی (مانند برنامه‌ریزی) مطرح است. علم بدون پیش‌فرض‌های از قبل تعیین‌شده که اساساً در پارادایم علم معرفی می‌شود و بدون توانایی ورود به واقعیت تجربی، نمی‌تواند حضور معرفتی یابد. معرفت علمی که مدعی منطقی، سازمان‌یافتگی و تجربی بودن است، در هدایت فعالیت‌های اجتماعی (مانند برنامه‌ریزی) به بوته

آزمون گذاشته می‌شود. استحکام منطقی پیش‌فرض‌های علم می‌تواند به اعتبار آزمون معرفت علمی بینجامد. چنانچه فعالیت علمی از مبانی منطقی (پیش‌فرض‌های علم) مستحکمی برخوردار نباشد و یا از پیش‌فرض‌های متناقض (پارادایم‌های مختلف) استفاده نماید، اعتبار نظری و تجربی (اجرایی) لازم نخواهد داشت. به عبارتی، فعالیت علمی ضمن فقدان استدلال نظری از ناتوانی در اجرا رنج می‌برد. بنابراین مهم‌ترین مشکل استفاده از پارادایم‌های مختلف در تدوین برنامه‌های توسعه، عدم امکان اجرای مطلوب آن است.

جوامعی که پارادایم علمی شفاف و روشنی ندارند، ممکن است دچار خلط پارادایمی شوند. در این حالت، فعالیت سیاسی - اجتماعی و اقتصادی آن جامعه دچار تناقض شده و شکاف بین ارزش‌ها و واقعیت موجب عدم تعادل و بی‌ثباتی در آن جامعه خواهد شد. در این جوامع معمولاً خط‌مشی‌گذاران و سیاستگذاران از آنچه مشاهده می‌کنند نگران خواهند شد.

بر این اساس، مفاهیم و ادبیات نوشتاری حاکم بر یک سند رسمی که تعیین‌کننده هویت ساختاری نظام اجتماعی است باید به‌دقت ارزیابی شوند. انسان با تمام تعاریفی که به لحاظ هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در پارادایم‌ها یا جهان‌بینی‌های مختلف معرفی شده است، دارای توانمندی ساخت‌وساز اجتماعی است که ریشه در انگاره فکری وی دارد. انگاره فکری یا پارادایم فکری مجموعه‌ای اساسی از عقاید، باورها و ارزش‌هایی هستند که راهنمای کنش انسان به شمار می‌آیند (گوبا، ۱۹۹۰؛ کروتی، ۱۹۹۸). اگرچه پارادایم در محافل علمی اندیشمندان تعریف نسبتاً روشنی داشته و عناصر اساسی آن شامل، هستی‌شناسی،^۱ معرفت‌شناسی،^۲ ارزش‌شناسی^۳ و فن بیان می‌باشد، اما ممکن است این عناصر در نگاه عامه مردم روشن و شفاف نباشند. مطالعات علمی و عمیق بر دیدگاه کنشگران اجتماعی می‌تواند تا حدود زیادی راهگشای تشخیص هویت این عناصر از دیدگاه آنان باشد.

تدوین برنامه‌های توسعه کشور نمی‌تواند مستقل از دیدگاه‌های افرادی باشد که این اسناد را تنظیم و پس از تأیید نهایی به عنوان مسیر حرکت جمهوری اسلامی ایران عرضه داشته‌اند. دیدگاه‌های مزبور در سلسله‌مراتب معرفتی (ایمان، ۱۳۸۸) هویت‌یابی و براساس ضوابط معرفت‌شناختی و روش‌شناختی حاکم بر آن ارزیابی می‌شوند. از طرفی هر دیدگاهی در پارادایم فکری مربوط به خود که تولید و بازتولید می‌شود، اعتمادپذیر خواهد بود.

1. ontology

2. epistemology

3. antilogy

عقلانیت و خلاقیت در مبانی پارادایم‌های علم، دو توانایی بنیادین در انسان‌اند که به نحوی در حوزه معرفت علمی خودنمایی می‌کنند. اتفاقاً این توانایی‌ها که هستی‌شناسی انسان را رقم می‌زنند از طریق پارادایم علم بر حوزه معرفت علمی وارد می‌شوند و اندیشمندان در تحلیل کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی انسان در نظام اجتماعی از آنها استفاده می‌نمایند. طرح عقلانیت و خلاقیت حتی به لحاظ فیزیولوژیک نیز، با طرح نیمکره چپ و راست انسان مطرح است. توماس کارلایل^۱ در توضیح فعالیت‌های ذهنی معتقد است که بخشی از فعالیت ذهنی دربرگیرنده تفکر عقلانی (تغییر و تبدیل آگاهانه مفاهیم) و بخش دیگر، شامل فعالیت‌های ذهن ناخودآگاه^۲ است که به‌طور مبهم درک شده و یا کنترلی بر آن نداریم و یا کنترل ما بر آن اندک است (نقل شده در: مسدد، ۱۳۸۰، ص ۲۲). گیل فورد^۳ از دو نوع یا شیوه تفکر در انسان تحت عنوان تفکر همگرا^۴ یا عقلایی و تفکر واگرا^۵ یا خلاقانه صحبت می‌کند. گترلر و جکسون^۶ نیز یک نوع تفکر در انسان را متمایل به ثبات و نوع دیگر را هوادار خط‌پذیری معرفی می‌کنند (همان، ص ۸). حضور فعال دو توانایی انسان که یکی به کشف قاعده‌مندی، شفاف‌سازی و قضاوت و دیگری به تحول‌خواهی، سیالیت و ناپایداری متمایل است در نظریه‌های علمی که به تبیین رفتارهای اجتماعی - سیاسی و روانی وی می‌پردازند، مشهود است. اگرچه روان‌شناسان بیشتر بر حوزه خلاقیتی انسان و عالمان علوم اجتماعی بر حوزه عقلانیتی وی متمرکزند، به‌هیچ‌وجه تعاملات بین این دو توانایی نادیده گرفته نشده است. به لحاظ تاریخی کاملاً مشهود است که نظریات کلاسیک‌ها بیشتر بر عقلانیت استوار است و نئوکلاسیک‌ها، ساختارگرایان و پست‌مدرن‌ها به حرکت از عقلانیت به سمت خلاقیت را مدّ نظر قرار داده‌اند (دومینگوس^۷، ۲۰۰۳). به حدی این بحث جدی شده است که امروزه در تحلیل ساختارهای نظام اجتماعی شاهد شکل‌گیری نظریه‌های آشوب و پیچیدگی هستیم (بلیکی، ۲۰۰۷؛ کیلر، ۱۹۹۸). هر فعالیت علمی (مانند برنامه‌ریزی) که با اصالت نظر کارشناسی انجام شود، اصالت با عقلانیت است. در حالی که برنامه‌ریزی در خدمت تحول در کنش‌های اجتماعی موجود در راستای دستیابی به چشم‌انداز نظری است که خود، در مسیر پارادایمی حاکم بر آن

1. Thomas Carlyle

2. unconsciour

3. Guil Ford

4. convergence

5. divergence

6. Getzels & Jackson

7. Domingus

چشم‌انداز تعیین می‌شود. برنامه‌ریزی درست و مطابق با قواعد عقلانی بدون توجه به توانایی‌های دیگر انسان از جمله (خلاقیت) در چارچوب نظری ممکن است در طراحی نظری و عملی با مشکل مواجه گردد. از این رو، برنامه‌ریزها در کل جهان و به‌طور خاص در ایران با این مشکل ساختاری مواجه‌اند.

به بیان دیگر، تولید و بازتولید دانش، امری خلاقانه و متکی بر توانایی خلاقانه انسان است که در معرفت‌شناسی انسان توأم با توانایی عقلانی او دیده شده است. پیامدهای دانش خلاقانه تحت توانایی عقلانی انسان به سازمان‌دهی می‌رسد و راهنمای عمل انسان قرار می‌گیرد. دانش خلاقانه در راستای تحول و دانش عقلانی در راستای پایداری دنیای اجتماعی انسان فعال است. اگرچه بحث خلاقیت و عقلانیت و رابطه بین این دو به لحاظ معرفت‌شناختی و روش‌شناختی امری غامض است، ولی آنچه از این توانایی مستفاد می‌شود این است که تفکری که عرضه می‌گردد و ادعای مدیریت، سامان‌دهی و تثبیت یک نظام اجتماعی دارد، دانش عقلانی است. دانش عقلانی متکی بر اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌های خاص تولید و بازتولید می‌شود. هویت این دانش را می‌توان از طریق گفتارهای انسان که در کردارها یا مکتوبات و یا آثار وی ملحوظ است، دریافت کرده و ارزیابی نمود.

تفاوت ارزیابی پارادایمی و ارزیابی نظری

نکته درخور توجهی دیگر در پیش‌درآمد این تحقیق، تفاوت بین ارزیابی پارادایمی و ارزیابی نظری است. هر فعالیت علمی (مانند برنامه‌ریزی) می‌تواند در سه سطح، مبانی پارادایمی، چارچوب نظری و یا مدل‌سازی ارزیابی شود. زمانی که ارزیابی به مبانی پارادایمی مربوط می‌شود، لازم است که به عمق آن فعالیت که پیش‌فرض‌های فلسفی حاکم بر آن فعالیت است، رجوع شود. چنانچه نظریه حاکم بر آن مشخص باشد به راحتی می‌توان به پارادایم فکری حاکم بر آن دست یافت. مثلاً چنانچه براساس چارچوب نظری لیبرالیستی یا مارکسیستی اقدام به طراحی یک فعالیت اقتصادی شود، به راحتی می‌توان مسیر کلی آن فعالیت را منطبق با پارادایم اثبات‌گرایی و یا انتقادی ارزیابی نمود. چنانچه فعالیت علمی از چارچوب نظری روشنی تبعیت ننماید (مانند فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی پس از انقلاب اسلامی در ایران) لازم است به ادبیات حاکم بر آن فعالیت رجوع نمود و در قالب پژوهشی علمی و هدفمند عناصر غالب پارادایمی را کشف و قرابت آنها را با پارادایم‌های غالب توضیح داد.

ارزیابی نظری به چارچوب نظری حاکم بر فعالیت علمی مربوط است. در این حالت با رجوع به چارچوب‌های نظری موجود پیرامون آن فعالیت (مثلاً فعالیت اقتصادی) به نحوی به مقایسه نظریه حاکم بر آن فعالیت با نظریات موجود پرداخته می‌شود تا برحسب قرابت بیشتر با یک یا مجموعه‌ای از نظریات به کشف هویت نظری فعالیت پرداخته شود. به‌طور مثال در پارادایم اثبات‌گرایی پیرامون مسائل اقتصادی مباحث نظری متعددی (کلاسیک‌ها، نئوکلاسیک‌ها و...) وجود دارد که ادعای نظری در فعالیت علمی مانند برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی می‌تواند با این چارچوب‌های نظری مقایسه و ارزیابی شود. ارزیابی در سطح مدل نیز، بر میزان انطباق فعالیت علمی با واقعیت مورد رجوع مرتبط است. مثلاً ارزیابی اجرایی برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی می‌تواند مؤید توانمندی آن، جهت حضور معتبر در واقعیت باشد. البته مدل نیز از یک طرف بر نظریه (چارچوب نظری) و از طرف دیگر به واقعیت مرتبط است که باید از این دو جهت اعتباریابی شود (ایمان، ۱۳۸۸).

برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران به منزله دانش عقلانی نظام اجتماعی نیز ضرورتاً متکی بر ایده‌های خاصی تنظیم شده، اهداف معینی را دنبال می‌نماید. این دانش را می‌توان از زاویه مرتبه‌های معرفتی (فلسفی، پارادایمی، نظری و مدلی) به صورت‌های متفاوتی ارزیابی نمود. مسلماً دانشمندان علم اقتصاد، علم سیاست و یا علم جامعه‌شناختی می‌توانند از سطح نظری یا مدل به ارزیابی برنامه بپردازند. معمولاً ارزیابی‌های موجود از برنامه‌های توسعه در سطح نظریه یا مدل (سطح علمی برنامه) انجام گرفته است و از آنجا که این گونه ارزیابی‌ها نیازمند یک نظریه علمی از قبل موجود می‌باشد، اندیشمندان یا کارشناسان سعی نموده‌اند تا براساس نظریات علمی موجود (عمدتاً اثبات‌گرایانه) به ارزیابی برنامه‌های توسعه در ایران بپردازند (نتایج و عظیمی، ۱۳۸۸؛ غلامی، ۱۳۸۳؛ آقابابایی، ۱۳۷۹؛ درخشان و مهرآرا، ۱۳۸۳؛ مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴؛ مقیمی، ۱۳۷۴).

در این پژوهش برای رهایی از نظریات موجود و دستیابی به عناصر نظری حاکم بر برنامه‌های توسعه، رجوع به سطح معرفتی بالاتر از نظریه علمی یعنی سطح پارادایم مد نظر است، زیرا در این سطح می‌توان به میزان زیادتری خارج از تعصبات نظری به توصیف ابعاد نظری برنامه پرداخت. جهت انجام پژوهش و دسترسی به این هدف، سعی شده است تا متن برنامه‌ها براساس عناصر اساسی در پارادایم‌های علم (رجوع شود به فصل سوم) به صورت کیفی، تحلیل محتوا شوند. به همین لحاظ در این پژوهش از روش‌شناسی «تحلیل محتوا» آن هم به صورت

تحلیل محتوای جهت‌دار و تلخیصی (رجوع شود به فصل چهارم) مورد استفاده قرار گرفته است. در شناسایی عناصر پارادایمی که در خدمت نظریه‌سازی علمی قرار می‌گیرند از نیومن (۱۹۹۷) و ایمان (۱۳۸۸) استفاده شده است.

استدلال دیگری که موجب گردید تا در این تحقیق به این سطح ارزیابی از برنامه‌های توسعه اقتصادی، رجوع شود (ارزیابی پارادایمی) این است که در تبدیل مشکل، ابهام و نگرانی در هر زمینه یا بستر اجتماعی به مسئله تحقیق، نیاز به نظریه علمی است که مورد رجوع آن بستر است. اکنون جای این سؤال اساسی باقی است که نظریه علمی حاکم بر ساختار اجتماعی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ امروزه اگر بحث از علم دینی می‌شود و عده‌ای بر این باورند که ما می‌توانیم علمی دینی داشته باشیم و یا هنگامی که مقام معظم رهبری بحث نظریه‌پردازی و فعالیت نرم‌افزاری براساس دین را مطرح می‌کنند، همگی دلالت بر فقدان نظریه علمی متکی بر جهان‌بینی الهی (اسلامی) دارند. امروزه اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاست و... در جامعه از فقدان چارچوب نظری منسجم و مورد اتفاق نظر خط‌مشی‌گذاران جمهوری اسلامی رنج می‌برد. حتی در سطح مراکز علمی نیز مبانی نظری، مدل‌های مفهومی و مدل‌های تجربی اندیشمندان به‌خصوص در حوزه علوم انسانی متکی بر تجربیات علمی و جامعه‌پذیری علمی افراد در قالب پارادایم‌های غالب در علوم انسانی است که بیشتر بر رویکرد اثبات‌گرایانه استوارند، از این رو، فقدان نظریه امکان تبدیل مشکل به مسئله و حل مسئله و نهایتاً ارتقای دانش را فراهم نمی‌سازد. برای عبور از این سطح معرفتی، رجوع به سطح بالاتر از سطح نظریه یا سطح نظر پارادایم علم ضروری است. در این سطح، می‌توان مباحث هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناسی و فن بیان در گفتمان‌ها و اسناد را ارزیابی نمود. در این سطح قادر خواهیم بود تا حد زیادی میزان همسازی نظری و یا سامان‌دهی نظری مفاهیمی که در برنامه‌ها عرضه شده‌اند را بررسی نماییم. اگرچه وجود همسازی نظری می‌تواند موجب ارتقای روایی ساختاری برنامه جهت حضور در عرضه اجرا باشد، هرگونه تعارضات منطقی نیز می‌تواند ورود برنامه‌ها به سطح عملیاتی را با مشکلات جدی مواجه سازد. برنامه‌های توسعه در ایران در مرحله اجرا به علت عدم وجود چارچوب نظری علمی فعال، برای هدایت نظام‌مند نظری و عملی آن از سلیقه فردی و گروهی کارشناسان بهره‌گیری نموده و ابعادی از برنامه به صورت غیر سازمان‌یافته و غیر اثربخش برحسب ضرورت اجرا می‌شود.

روش‌شناسی تحلیل محتوای کیفی

روش‌شناسی تحلیل محتوای کیفی به کار گرفته شده در این پژوهش، متکی بر مبانی منطقی تحقیقات کیفی در علوم انسانی است. یکی از ویژگی‌های اساسی تحقیقات کیفی، نظریه‌پردازی به جای آزمون نظریه است (ایمان، ۱۳۸۸، ص ۱۷۲). محققان کیفی درباره عدم پذیرش نظریه در قبل یا در شروع تحقیق، بیشتر به دیدگاه بلومر (۱۹۵۴) رجوع می‌نمایند. بلومر به شدت مخالف به‌کارگیری مفاهیم ثابت تجربی بر دنیای واقعی است که از ویژگی‌های رویکرد کمی تحقیق است. وی معتقد است در تحقیقات علمی باید به طرح مفاهیم حساس‌شونده^۱ رجوع شود (بلومر، ۱۹۵۴، ص ۷). البته ارتباط با مفاهیم بامعنا و حساس، به منزله دریافت یک نقشه راه است که محقق از بستر یا میدان تحقیق به دست می‌آورد. پیگیری مفاهیم پارادایمی در سند برنامه‌های توسعه به معنای ارتباط با مفاهیم حساس است که به نحوی راهبرد حاکم بر برنامه‌ها را معرفی می‌نمایند. ارتباط پارادایم حاکم بر برنامه‌های توسعه و ادبیات به کاررفته در آن، پرسشی است که در این رابطه باید به آن پرداخت.

رابطه پارادایم حاکم بر برنامه و ادبیات به کاررفته در آن

یکی از موارد تشخیص تبعیت هر فعالیت علمی از یک پارادایم خاص، استفاده از ادبیات آن پارادایم است. از این رو، رجوع به ادبیات حاکم بر پیش‌فرض‌ها و توضیحات منطقی و اصول نظری آن در ارزیابی پارادایمی فعالیت علمی حائز اهمیت است. چنانچه فعالیت علمی (مانند برنامه‌ریزی) به صورت مبنایی از سطح پارادایم علم، نظریه و مدل‌سازی مقید به پارادایم خاصی باشد، شاهد نوعی روایی درونی و بیرونی آن فعالیت خواهیم بود. در این شرایط، سطح نظری و عملیاتی در تعامل سازمان یافته و فعال با یکدیگر قرار گرفته، هر گونه شکاف و تناقض به حداقل ممکن می‌رسد. چنانچه سؤال اساسی در ارزیابی فعالیت علمی (مانند برنامه‌ریزی اجتماعی - اقتصادی) شناسایی هویت پارادایمی برنامه، نگرانی از شکاف سطح نظری و عملیاتی و یا ارزیابی تطابق جهان‌بینی حاکم بر جامعه و پارادایم، حاکم بر برنامه باشد، وجود ادبیات متفاوت پارادایمی، نشانه بی‌سازمانی و خلط پارادایمی است. از طرفی، چنانچه به هر علتی در فعالیت علمی به‌طور ناخودآگاه و یا با هدایت عوامل و نیروهای بیرونی نظام اجتماعی، از ادبیات

1. sensitizing concepts

پارادایمی خاصی استفاده شود، نشانه تقید و تعهد آن فعالیت از آن پارادایم است. موفقیت آن فعالیت، نیازمند رعایت تمامی موازین نظری و عملیاتی آن پارادایم خواهد بود.

نکته مهم و حائز اهمیت در این تحقیق، توجه به امکان استفاده از ادبیات و اصطلاحات پارادایم یا پارادایم‌های علمی در برنامه‌های توسعه به صورت ناآگاهانه است. از این رو، شاید نتوان استفاده از ادبیات یک پارادایم را لزوماً به معنای تدوین برنامه تحت آن پارادایم دانست. درحقیقت زمانی که از تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی (تحت پارادایم‌های علمی) در یک جامعه بحث می‌شود، لزوماً به معنای اطلاع کارشناسان و تدوین‌کنندگان برنامه از مبانی پارادایمی نظریات و یا مدل‌های به کار گرفته شده در برنامه نیست، چرا که حتی در سطح آموزش علم و در دانشگاه‌ها و مراکز علمی، عدم اطلاع کامل فراگیر (دانشجو) از مبانی فلسفی و یا پارادایمی دیدگاه‌ها کاملاً طبیعی است. آنچه مهم است، تقید نظام اجتماعی به چارچوب نظری علمی روشنی است که به مبانی پارادایمی آن نظریه اعتقاد و باور دارد. خط‌مشی‌گذاران و رهبران نظام اجتماعی براساس اعتقادات و جهان‌بینی خاصی که دیدگاه پارادایمی خاصی را ترغیب می‌کند، جامعه را به سمت نظریه‌پردازی و مدل‌سازی مدیریت می‌نمایند. نظریه‌پردازی و مدل‌سازی و اجرای مدل در جامعه به معنای جامعه‌پذیری جامعه علمی و کارشناسی جامعه براساس پارادایم علمی خاص است. بنابراین در جامعه‌ای که تکلیف پارادایم علم (متکی بر جهان‌بینی خاص) مشخص است و براساس آن نظریه‌پردازی و مدل‌سازی جهت اجرا دنبال می‌شود، دغدغه فقدان حضور آن جهان‌بینی در زندگی اجتماعی مردم به شدت کاهش می‌یابد. چنانچه این مسیر دنبال نشود، برنامه‌ریزان و کارشناسان براساس آموخته‌ها، تجربیات شخصی و مستندات به‌جامانده از تاریخ برنامه‌ریزی در جامعه اقدام به تدوین برنامه می‌نمایند. این فرایند می‌تواند حاکی از فقدان جامعه‌پذیری علمی فعال و سازمان‌یافته باشد که گاه با تناقض توأم است. ثمره این فرایند برنامه‌ریزی، خلط مبانی پارادایمی و حاکمیت دانش عامه بر نظام کارشناسی جامعه خواهد بود. بنابراین نتیجه سخن این شد که فرض آشنا نبودن تدوین‌کنندگان برنامه با پارادایم‌های علم، پذیرفتنی نیست.

نکته شایان توجه دیگر، مناسبات بین استفاده از یک پارادایم علم و اعتقاد به مبانی آن است: ابتدا باید به این نکته پردازیم که یکی از مفاهیم مترادف با پارادایم در ادبیات موجود پیرامون پارادایم علم، جهان‌بینی است (پاتن، ۱۹۹۰؛ ویلیس، ۲۰۰۷). در جهان‌بینی، مجموعه اعتقادات و باورهای انسان‌ها درباره درک هستی و جهان خلقت فعال است. اعتقاد انسان به چگونگی

کارکرد جهان، نحوه امکان دخالت انسان در آن، پیچیدگی‌های موجود در دنیا و اینکه چه چیزی در این دنیا مهم است، چه چیزی مشروعیت دارد، چه چیزی منطقی است و چه چیزی دست‌یافتنی است، از مصادیق جهان‌بینی‌اند. اینکه کوهن (۱۹۷۰) پارادایم را راهبرد پایه‌ای به نظریه و پژوهش معرفی می‌کند و یا نیومن (۱۹۹۷) نظام فکری و پیش‌فرض‌های اساسی در دیدگاه را مطرح می‌کند، بیانگر حضور عناصر اعتقادی در پارادایم علم است. بنابراین، عناصر پارادایم علم از زمره عناصر اعتقادی‌اند. اعتقادات انسان، زمانی فعال است که در حوزه عمل انسانی ظاهر شود. از این رو، هویت عمل انسانی با مبانی اعتقادی حاکم بر آن مرتبط است. به‌طور مثال ایمان و پایبندی انسان مسلمان به اسلام برحسب عمل، رفتار و موضع‌گیری وی ارزیابی می‌شود. فعالیت به انسان مربوط است و انسان برحسب استعداد فطری که خالق به وی اعطا نموده، قادر به تفکر و عمل است. بنابراین عمل انسانی متعلق به انسان و متعلق به کیفیت تفکر وی است که در اعتقادات و باورهای وی ریشه دارد. برنامه‌ریزی، نوعی موضع‌گیری انسان مقابل واقعیت و رویدادهای اجتماعی است که نمی‌تواند از مبانی اعتقادی و یا پارادایم فکری برنامه‌ریزی منفک باشد.

البته بی‌شک این تحقیق در پی نشان دادن مبانی اعتقادی تدوین‌کنندگان برنامه‌های توسعه با استفاده از ادبیات پارادایمیک به‌کاررفته در آن نیست، بلکه هدف، نشان دادن و تصریح این نکته است که استفاده از یک پارادایم علم به معنای استفاده و به کار بستن مبانی آن است، امری که باید توجه اکید به آن داشت و همواره استفاده از پارادایم‌های علم را با مشکل مواجه می‌کند. تأکید مقام معظم رهبری بر تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، درحقیقت تأکید بر همین نکته است.

بر این اساس، هدف این پژوهش، توصیف عناصر نظری موجود در برنامه‌ها است که به پارادایم‌های غالب در علوم انسانی رجوع می‌نمایند. چون عناصر پارادایم‌ها از قبل مشخص می‌باشند، تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار^۱ می‌تواند به نحوی با راهنمایی این عناصر به کالبدشکافی کیفی برنامه‌ها بپردازد. انتظار این است که یک برنامه با برخورداری از روایی ساختاری^۲ لازم، بتواند نظام اجتماعی را براساس یک پارادایم روشن با بنای فلسفی معین تثبیت نماید. در صورت وجود هر گونه تعارض منطقی که ناشی از أخذ عناصری از پارادایم‌های متفاوت باشد، اشکال در روایی ساختاری برنامه، قطعی بوده، طبیعی است که در این حالت،

1. directional qualitative content analysis

2. structural validity

برنامه توسعه با قبول وظیفه بسترسازی^۱ جهت تعالی و تثبیت سازمان یافته نظام اجتماعی نمی‌تواند به وظیفه خویش عمل نماید. در این شرایط، عقلانیت نظام اجتماعی کاهش یافته، جامعه جهت اداره امور، از خلاقیت جمعی کارگزاران خود استفاده می‌نماید، که حاصل آن، روزمرگی، تحول‌خواهی، تسلط تمایلات، تعصبات و تجربیات خط‌مشی‌گذاران و پیش‌بینی‌ناپذیر بودن امور از ویژگی‌های غالب جامعه خواهد بود. این شرایط که ناشی از فقدان چارچوب نظری علمی در برنامه‌ریزی‌های توسعه اجتماعی - اقتصادی جامعه است، همواره با ایفای نقش علیه هر گونه برنامه‌ریزی، در مواردی جامعه را دچار دور باطل می‌کند. اگر امروز بحث از تراکم مسئله به جای حل مسئله، فقدان برنامه‌ریزی راهبردی، نیاز به فعالیت نرم‌افزاری (نظریه‌پردازی) و به فرمایش مقام معظم رهبری، طراحی الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی مطرح می‌شود به جهت تسلط این شرایط خلاقانه‌ای است که به نظام اجتماعی ایران اجازه فعالیت‌های عقلانی (که تمام این موارد از مصادیق آن به شمار می‌آید) نمی‌دهد. این پژوهش درصدد ریشه‌یابی این نگرانی و کمک به اندیشمندان، محققان و کارگزاران نظام اجتماعی در تشخیص مسئله بنیادی جمهوری اسلامی است. مسلماً تعریف روشن و دقیق مسئله و اجماع نظری بر آن می‌تواند نیمی از راه حل ابهامات و نگرانی‌های موجود در جامعه باشد.

هر نظام اجتماعی با ادعای اتکا بر جهان‌بینی خاص، نیازمند بررسی پارادایمی و نظری فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی خویش است تا از میزان همخوانی اعتقادات و برنامه‌هایی که به لحاظ نظری جهت اجرای آن فعالیت‌ها تدوین می‌نماید، مطمئن شود. این ارزیابی می‌تواند نوعی هشدار به آن نظام اجتماعی تلقی شود تا ضمن نزدیکی به اعتقادات و ارزش‌های اعتقادی خود در عمل به چگونگی تکوین نظری و عملیاتی آن نیز پی ببرد. این تحقیق به دنبال بررسی پارادایمی حاکم بر برنامه‌های تدوین شده توسعه اقتصادی - اجتماعی پس از انقلاب اسلامی در کشور است. در این پژوهش اهداف ذیل دنبال می‌شوند:

۱. بررسی میزان تبعیت برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی از یک پارادایم روشن؛

۲. بیان تفاوت پارادایم حاکم بر برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی با پارادایم‌های غالب و مرسوم؛

1. contextualization

۳. میزان وضوح و سازگاری مبنای پارادایمی برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی در ابعاد اقتصادی - فرهنگی و سیاسی؛

جهت دستیابی به اهداف مزبور، پنج برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی براساس تحلیل محتوای کیفی، ارزیابی خواهد شد. روش‌شناسی تحلیل محتوای کیفی به منزله یکی از روش‌شناسی‌های غالب در رویکرد کیفی تحقیق جهت تحلیل اسناد و مدارک در راستای درک معانی حاکم بر آنها مورد استفاده اندیشمندان قرار می‌گیرد. در این پژوهش از روش‌شناسی تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار استفاده می‌شود که در فصل روش‌شناسی تحقیق به تفصیل به این موضوع پرداخته می‌شود. از آنجا که هدف این پژوهش، بر ارزیابی پارادایمی برنامه‌ها متمرکز است، اصول و سیاست‌های کلی حاکم بر برنامه‌ها به صورت اساسی ارزیابی خواهند شد، چرا که میزان اجرایی شدن برنامه‌ها بحث دیگری است که به‌طور مرتب توسط دیدگاه‌های کارشناسان و متولیان برنامه‌ها انجام می‌گیرد. البته در این مورد نیز مسائل خاصی مطرح است که تحقیقات دیگری را طلب می‌نماید. افزون بر این عدم همخوانی سطح نظری (تنظیم برنامه) و سطح اجرا (عملیاتی کردن برنامه) نیز تا حدی مربوط به مسائل پارادایمی برنامه می‌شود که برحسب مورد در این پژوهش به آنها پرداخته می‌شود.

در این گزارش سعی شده است پس از طرح مسئله تحقیق، به تاریخچه موضوع برنامه‌ریزی در ایران (فصل دوم) پرداخته شود تا به اختصار با سابقه برنامه‌ریزی آشنایی حاصل گردد. البته تمرکز این پژوهش بر برنامه‌های اجتماعی - اقتصادی جمهوری اسلامی است و ارزیابی پارادایمی شش برنامه قبل از انقلاب اسلامی در محدوده موضوع این پژوهش نمی‌باشد. نکته شایان توجه اینکه ارزیابی پارادایمی برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران قبل از انقلاب اسلامی نیز بررسی شده است (ایمان، ۱۳۷۸) که می‌تواند در مقایسه با نتایج این پژوهش قرار گیرد. نظر به اینکه ارزیابی بر مبنای توضیح عناصر پارادایمی برنامه‌ها است، آشنایی با پارادایم‌های غالب در علوم انسانی ضروری است. فصل سوم گزارش به معرفی ویژگی‌ها و عناصر اساسی در پارادایم‌های غالب علوم انسانی مربوط است. معرفی تحلیل محتوای کیفی به منزله روش‌شناسی این پژوهش به‌طور مبسوط در فصل چهارم ارائه شده است. تحلیل کیفی یافته‌های پژوهش در فصل پنجم و نهایتاً بحث و نتیجه‌گیری در فصل ششم ارائه خواهد شد.

